

راهنمای همسران جوان

تألیف

محمد علی سادات

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۵	در آستانه ازدواج
۲۰	اساس رابطه زناشویی از نظر قرآن کریم
۲۰	اولین گام به سوی تشکیل خانواده
۲۱	انتخاب همسر
۲۴	معیارهای انتخاب همسر
۲۵	ویژگیهای اخلاقی و شخصیتی همسر
۲۶	تناسب و تفاهم
۲۸	از چه راههایی می توان طرف مقابل را شناخت؟
۲۹	اصالت خانوادگی
۳۰	تحقیق و بررسی
۳۱	گفتگو و بیان شروط
۳۴	در انتخاب همسر نباید شتابزده عمل کرد
۳۵	هوشمندی لازمه زندگی اجتماعی است

۳۶	استخاره
۳۸	هزینه‌های گزاف در آستانه ازدواج
۴۱	ضرورت آشنایی با وظایف همسری
۴۳	زندگی خانوادگی را جدی بگیریم
۴۷	تفاوت‌های زن و مرد
۴۹	زن و مرد دارای سرشت واحدند
۵۱	اولین گام برای زندگی در کنار زن
۵۴	تفاوت‌های زن و مرد
۵۷	محور اصلی روحیات زن
۵۹	کنجکاوی در زن
۶۱	گفتگو وسیله‌ای برای تبادل عاطفی در زن
۶۳	کشمکش دایمی بین عقل و احساس
۶۵	موقعیت زن
۶۶	هنری که زن باید از خود نشان دهد
۶۸	یک انتقاد
۷۲	دوگونگی احساسات زن و مرد نسبت به یکدیگر
۷۶	شادابی روح زن
۷۹	مهمترین وظیفه عاطفی شوهر
۸۲	هشدار به شوهران
۸۴	در انتظارات عاطفی زیاده‌روی نکنیم
۸۷	روابط همسری
۹۰	ارتباط کلامی
۹۱	کم‌حرفی یا پرچانگی
۹۳	صداقت و ارتباط باز
۹۴	سوء تفاهم
۹۵	در بیان گلایه‌ها زیاده‌روی نکنیم
۹۶	لحن گفتار

۹۷	نیش زبان
۹۸	از خدا جوییم توفیق ادب
۱۰۰	از اظهار علاقه دریغ نورزیم
۱۰۱	رازداری
۱۰۳	از جرّ و بحث خودداری کنیم
۱۰۶	از تندخویی و خشونت بپرهیزیم
۱۰۸	ماجرایی آموزنده
۱۰۹	خوشرفتاری از نشانه‌های ایمان است
۱۱۰	از خشم بپرهیزیم
۱۱۲	الگوی اسلامی در رفتار با زنان
۱۱۶	الگوی اسلامی در رفتار با شوهر
۱۱۸	سازگاری
۱۲۰	مفهوم سازگاری
۱۲۲	سازش با خانواده همسر
۱۲۴	گذشت لازمه سازگاری است
۱۲۵	توصیه‌ای حکیمانه از امام خمینی (ره)
۱۲۶	سازش تا کجا؟
۱۲۷	انتظارات خود را محدود کنیم
۱۲۸	در انتظارات خود واقع‌بین باشیم
۱۳۰	مقایسه نکنیم
۱۳۱	انتظارات مادی از شوهر
۱۳۷	زندگی دیگران را به رخ همسر خود نکشیم
۱۳۹	نقش سرپرستی و مدیریت مرد
۱۴۳	نقل قولی از ویل دورانت
۱۴۳	تقسیم کار در خانواده
۱۴۵	نکته‌هایی درباره زنان شاغل
۱۵۱	استقلال اقتصادی زن

- ۱۵۳ خوشیهایمان را با همسر خود تقسیم کنیم
- ۱۵۷ اهمیت ارضای غریزه در زندگی زناشویی
- ۱۶۰ آراستگی و خودآرایی در محیط منزل
- ۱۶۱ خودآرایی زن برای دیگران
- ۱۶۴ غیرت از جلوه‌های مردی و مردانگی است
- ۱۶۵ نگاههای آلوده
- ۱۶۷ همسرانی که بچه‌دار نمی‌شوند
- ۱۶۹ چگونه با اختلاف برخورد کنیم؟
- ۱۷۲ توصیه‌ای به پدران و مادران
- ۱۷۴ خاتمه

پیشگفتار

به نام خدا

در روزگار ما هیچ نهاد اجتماعی به اندازه «خانواده» در کشورهای صنعتی گرفتار بحران نشده است؛ به عبارت دیگر، آثار تحولات فکری، اخلاقی و فرهنگی چند قرن اخیر در عرصه «خانواده» به میزان گسترده‌ای مشاهده می‌شود. وضعیت خانواده در کشورهای غربی آینده تمام‌نمایی است که می‌توان روحیات انسان جدید را در آن دید.

کسانی که با فرایند تحولات اجتماعی در غرب آشنا هستند، بخوبی می‌دانند که از هم پاشیدن خانواده در آن دیار مشکلات حل‌ناشدنی فراوانی را به وجود آورده است. آلویس تافلر - نظریه‌پرداز نام‌آور آمریکایی - نقش اساسی از هم پاشیدن خانواده را در ایجاد بحرانهای موجود چنین بیان می‌کند:

«امروزه بار دیگر انسانها حس می‌کنند که

شخصیت‌شان مانند پوسته تخم مرغی که بر دیواری کوبیده شده باشد، خرد شده است. ولی برخلاف گذشته گناه کنونی، ناشی از گسیختگی خانواده است نه عوامل اقتصادی.^۱

اما در جامعه ما وضع به گونه‌ای دیگر است. سلامت اخلاقی نسبی که در جامعه ما وجود دارد، سبب قوام و استحکام نهاد خانواده شده است. آمار طلاق در کشور ما در مقایسه با کشورهای دیگر، بویژه کشورهای پیشرفته، بسیار پایین است. این آمار در دوران بعد از انقلاب کاهش چشمگیری داشته و از بیست درصد در سالهای ۵۶ - ۱۳۵۵ به حدود هفت درصد - و گاهی کمتر - در سالهای اخیر کاهش یافته است. این در حالی است که میزان طلاق و نیز طول مدت ازدواج در کشورهای صنعتی حیرت‌انگیز است؛ برای نمونه، میانگین طول مدت ازدواج در کشوری مانند سوئد تنها شش ماه است^۲ و میزان تجرد قطعی در برخی کشورهای غربی به رقم ۴۸ درصد بالغ می‌شود. براساس آمار، عمومیت ازدواج (تمایل به تشکیل خانواده) در بین زنان کشور ما بالغ بر ۹۹ درصد است و یک درصد باقیمانده مربوط به کسانی است که به علت معلولیت و موانعی از این دست قادر به تشکیل خانواده نیستند؛ حال آن که این رقم در کشوری مانند ایرلند ۵۴ درصد است.^۳ علت این تفاوت چشمگیر را باید در درجه اول در

۱. آلون تافلر: موج سوم، ص ۲۸۸

۲ و ۳. فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، شماره پنج و شش، ص ۹۴

دوگونگی وضعیت اعتقادی و اخلاقی جامعه ما و جوامع غربی دانست. غیراخلاقی شدن جوامع غربی و از دست رفتن هویت اعتقادی در این کشورها، موجب عوارضی بسیار از جمله تزلزل بنیان خانواده شده است و مشکلات بسیاری را برای این جوامع به دنبال آورده است که به اعتقاد برخی صاحب نظران غربی خبر از انقراض تمدن جدید می دهد.

بی تردید، در جوامعی که روابط آزاد میان زن و مرد رواج دارد، ازدواج و تشکیل خانواده محکوم به شکست است. همچنین جامعه ای که خانواده در آن گرفتار بحران و از هم پاشیدگی است، دوامی نمی یابد و دیر یا زود از هم خواهد پاشید.

برای جوان غربی تشکیل خانواده آغاز محدودیت هاست؛ به همین دلیل او از آن می گریزد و اگر هم تن به تشکیل خانواده بدهد همواره می اندیشد که چگونه خود را از این «زندانی» رها سازد. در جامعه ما بویژه در میان اکثریتی که از سلامت اخلاقی برخوردار هستند، ازدواج آغاز محدودیت نیست بلکه پایان محرومیت است. برای یک جوان مسلمان که تشکیل خانواده را آرزویی شیرین و رؤیایی طلایی می داند، ازدواج پایان دوران انتظار و آرزومندی است. او همسرش را مایه خوشبختی خود می داند نه کسی که «زندانبان» اوست؛^۱ از این رو، نهاد خانواده در جامعه ما از ارزشی والا برخوردار است و این، امتیاز بسیار مهمی است که جامعه ما نسبت به جوامع عنان گسیخته غربی دارد؛ بنابراین، باید بیش از پیش در

۱. سائت حجاب، استاد مطهری، ص ۷۴

تقویت این نهاد مقدس کوشید و از سردی کانون خانواده‌ها که علت اساسی بسیاری از مشکلات است، پیشگیری کرد.

توجه ویژه اسلام به نهاد خانواده سبب شده است که این نهاد از موقعیتی ویژه در میان مسلمانان برخوردار شود. نظام خانوادگی اسلام با تکیه بر مبانی فطری و طبیعی، ظریف‌ترین نکته‌ها را در روابط میان زن و شوهر مورد توجه قرار می‌دهد و آیینی مدون را برای زندگی زناشویی بنا می‌نهد. یکی از اصولی که اسلام همواره به آن توجه دارد، رونق بخشیدن به خانواده و گرمی و استحکام این کانون است؛ به گونه‌ای که با هر عاملی که ممکن است از گرمی روابط زناشویی بکاهد، شدت مبارزه کرده است. در تعالیم اسلامی انجام وظایف همسر داری و مراعات اخلاق خانواده از بهترین عبادتها به‌شمار می‌رود و به‌این وسیله، طرفهای ازدواج به خدا نزدیک می‌شوند و بر مراتب بندگی و تقرب خود می‌افزایند؛ از این رو، در جهان‌بینی اسلامی خانواده در هاله‌ای از قداست قرار می‌گیرد و مفهومی ملکوتی می‌یابد. و این، همان زیربنای مستحکمی است که نهاد خانواده را از سردی و سستی حفظ می‌کند و بر بالندگی آن می‌افزاید.

در جامعه ما گروهی از مردم که بنا به علل فرهنگی، شیوه زندگی غربی را برگزیده‌اند و زندگی خود را از بُعد اخلاقی تهی ساخته‌اند، گرفتار همان مشکلاتی هستند که جوامع غربی با آن دست به‌گریبانند. کاهش عواطف خانوادگی و سستی بنیان خانواده از جمله این مشکلات است. بررسیهای آماری نشان می‌دهد که برخورداری زوجین از تحصیلات عالی بتنهایی قادر به تقویت کانون خانواده نیست بلکه آنچه مهم است داشتن

فلسفه زندگی ارضاء‌کننده‌ای است که بتواند با تقویت انگیزه‌های معنوی و انسانی، بر غنای محتوایی زندگی بیفزاید. از آثار و نتایج مهم رسوخ فرهنگ غربی در کشورهای مشرق زمین، کاهش انگیزه‌های معنوی است که آثار آن در کلیه عرصه‌های زندگی بویژه در روابط خانوادگی آشکار شده است. با وجود این، هنوز عواطف خانوادگی نیرومندی در جامعه ما وجود دارد که می‌توان و باید با آگاه ساختن مردم از وظایف خانوادگی و بویژه همسرداری، ایس عواطف را در جهت درست هدایت کرد و از بروز ضعف و سستی در انگیزه‌های معنوی افراد خانواده جلوگیری نمود.

هدف از تألیف این کتاب

نگارنده در طول سالیان دراز تعلیم و تربیت و تماس مشاوره‌ای با خانواده‌های بسیار، این واقعیت را بروشنی دریافته است که علت بروز بسیاری از مشکلات در خانواده‌ها، ناآشنایی با حقایق و معلومات بسیاری است که در زمینه زندگی زناشویی وجود دارد. این ناآگاهی سبب می‌شود که برخی زوجین نتوانند از زندگی خانوادگی خود بهره لازم را ببرند و چه بسا این موهبت بزرگ الهی را که می‌توانست موجب خوشبختی آنها باشد، به دست خود تباه می‌کنند؛ حال آن که اگر از ابتدا آموزشهای لازم را دریافت کنند و با وظایف شرعی، اخلاقی و قانونی خود آشنا شوند و به روشی درست راهنمایی شوند، می‌توانند خانواده را به عرصه رشد و تعالی و نیک‌بختی خود و فرزندانشان تبدیل کنند و بهره‌های فراوان از

آن ببرند. بویژه این که در زمینه روابط زناشویی، افکار نادرست و اعتقادات آمیخته به عاداتها و سنتهای قومی و محلی چنان بر افکار و رفتار مردم سایه افکنده است که در برخی موارد خلاصی از آنها کار آسانی نیست. این اعتقادات اغلب فاصله زیادی از حقیقت دارند و خود نوعی خرافه و تصور نادرست ذهنی به شمار می‌روند؛ از این رو، یکی از امور ضروری، آموزش فرهنگ صحیح زناشویی به جوانانی است که در آستانه ازدواج قرار دارند.

انتشار مجموعه دو جلدی «راهنمای پدران و مادران» که به تربیت کودکان و نوجوانان اختصاص داشت، و استقبال بیش از حد انتظاری که از آن به عمل آمد، و نیز تشویق و ترغیب کسانی که آن مجموعه را به دیده عنایت نگریسته بودند، نگارنده را واداشت تا به تألیف این کتاب که در واقع مکمل مجموعه یاد شده است، بپردازد. در این کتاب سعی نگارنده بر این بوده است که با تکیه بر تعالیم اسلامی و تجربیات ممتد خویش در این زمینه، بیش درستی نسبت به زندگی زناشویی ارائه شود؛ و مطالب و موضوعات ضروری تا حد امکان بزبانی ساده و بدور از اصطلاحات و پیچیدگیهای علمی بیان گردد؛ به گونه‌ای که بتواند مورد استفاده عموم قرار گیرد. بی تردید، نگارنده تذکرات اصلاحی خوانندگان محترم بویژه صاحب نظران را در اصلاح و تکمیل کتاب پاس خواهد داشت.

مؤلف

مهرماه ۱۳۷۵